

طراحی مدل نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش بانوان: رویکرد بر ساخت گرایی

تیمور سلیمان بیگی^۱، جمشید همتی^۲، نوید مهتاب^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶

ص ص: ۱۳۴-۱۰۵

چکیده

برابری جنسیتی یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه پایدار در جوامع معاصر به‌شمار می‌رود. با این حال، زنان در حوزه ورزش همچنان با موانع ساختاری، فرهنگی و نهادی مواجه‌اند که مانع از بهره‌مندی برابر آنان از فرصت‌های ورزشی می‌شود. هدف این مطالعه ارائه الگوی نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران بود. این مطالعه کیفی و روش آن از نوع نظریه داده بنیاد رهیافت ساخت‌گرایانه است. مشارکت‌کنندگان این مطالعه را ذینفعان (ورزشکاران زن و مرد قهرمان ملی، صاحب‌نظران ورزش زنان، مدیران ورزش، جامعه‌شناسان ورزشی و حقوق‌دانان ورزشی) تشکیل می‌دادند. انتخاب این افراد به‌صورت هدفمند بود. نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه پیدا کرد، بر این مبنا تعداد ۲۲ مصاحبه انجام گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختاریافته و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو فرایند هم‌پوش کدگذاری باز و کدگذاری متمرکز استفاده شد. نظریه برآمده از داده‌های تحقیق نشان داد: نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران شامل تعاملات بین عوامل و سطوح متعدد است و لزوماً از الگوهای گذشته پیروی نمی‌کند. این بدین معناست که برای نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران ابتدا باید امنیت برقرار باشد. پس از اینکه امنیت در ابعاد فردی، عمومی و

۱. دانشجوی دکتری، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد سنجند، دانشگاه آزاد اسلامی، سنجند، ایران
solimanbegi@phdtask.ir

۲. استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران
hemati@phdtask.ir: (نویسنده مسئول)*

۳. گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قروه، دانشگاه آزاد اسلامی، قروه، ایران
smahmodi31@gmail.com

اجتماعی مهیا شد لازم است حمایت و پشتیبانی لازم بعمل آید. این حمایت در پنج بعد حمایت رسانه‌ای، حمایت قانونی، حمایت اجتماعی، حمایت دولت و حمایت سازمان‌های ورزشی بایستی پیگیری شود. در ادامه لازم است توانمندسازی و بهسازی که خود ترکیبی از ابعاد توانمندسازی جمعی، توانمندسازی فردی، جانشین‌پروری و مطالبه‌گری زنان است مورد توجه قرار گیرد. سرانجام در بالاترین سطح لازم است کنش اجتماعی انجام شود. این کنش باید در سه بعد شکست سقف شیشه‌ای، با تعریف هویت انسانی و اجتماعی و مقابله با هنجارهای جنسیتی باشد.

واژه‌های کلیدی: برابری جنسیتی، ورزش زنان، نهادینه‌سازی، نظریه داده‌بنیاد، رهیافت ساخت‌گرایانه



Designing a Model for Institutionalizing Gender Equality in Women's Sports: A Constructivist Approach

Taymour Solaimanbaigi¹, Jamshid Hemati^{2*}, Navid Mahtab³

Abstract

Gender equality is one of the fundamental components of sustainable development in contemporary societies. However, women in the field of sports continue to face structural, cultural, and institutional barriers that hinder their equal access to athletic opportunities. The aim of this study was to design a model for the institutionalization of gender equality in Iranian sports. This research was qualitative in nature and employed the constructivist grounded theory approach. Participants included key stakeholders such as national-level male and female athletes, experts in women's sports, sports managers, sports sociologists, and sports law professionals. Participants were selected through purposive sampling, and theoretical sampling continued until theoretical saturation was achieved, resulting in a total of 22 interviews. Data collection was conducted using semi-structured interviews, and data was analyzed through the overlapping processes of open coding and focused coding. The emerging theory from the data revealed that the institutionalization of gender equality in Iranian sports involves dynamic interactions among various factors and levels and does not necessarily follow historical patterns. This means that the first prerequisite for institutionalizing gender equality in Iranian sports is the establishment of security—at individual, public, and social levels. Following the assurance of security, different forms of support must be provided, including media support, legal support, social support, governmental support, and support from sports organizations. The next phase involves empowerment and development, which includes collective empowerment, individual

1. PhD student of physical education and sports science, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

solimanbegi@phdtask.ir

2. Assistant Professor of sport management, Behbahan Branch, Islamic Azad University, Behbahan, Iran.

(Corresponding Author*): hemati@phdtask.ir

3. Physical education and sports science department, Ghorveh Branch, Islamic Azad University, Ghorveh, Iran.

smahmodi31@gmail.com



empowerment, succession planning, and advocacy by women. Finally, at the highest level, social action must take place, involving the breaking of the glass ceiling, the redefinition of human and social identity, and the confrontation with gender norms.

Keywords: Gender Equality, Women's Sports, Institutionalization, Grounded Theory, Constructivist Approach

مقدمه

توسعه و اعتلای تربیت بدنی و ورزش در جامعه از یک سو مربوط به تحول سازنده و مثبت در برنامه‌های جاری ورزشی است و از سوی دیگر مربوط به این است که به ورزش زنان توجه شود (منظمی، علم و شتاب بوشهری^۱، ۲۰۱۰). از طرفی توجه به سلامتی زنان به عنوان نیمی از جمعیت که سهم مهمی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و رسالت مهم فرزندآوری را نیز بر عهده دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی یکی از راههای مهم تأمین سلامت روانی و جسمانی آنهاست (نیمروزی و صحنه^۲، ۲۰۱۹). با این حال ورزش زنان همچنان یک موضوع مورد مناقشه است (پازبرگ^۳، ۲۰۲۲). این در حالی است که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و دوسوم ساعت کار انجام شده توسط آنان صورت می‌پذیرد، در حالی که در تقسیم نیروی انسانی سازمان‌ها، به ویژه در بخش ورزش زنان به حاشیه رانده می‌شوند (هنلون و تیلور^۴، ۲۰۲۲) و پیشرفت آنان برای سایر افراد بی‌اهمیت تلقی می‌شود و حتی گاهی دستیابی آنان به درجه‌های بالاتر، عجیب و دور از تصور انگاشته می‌شود، زیرا تصور غالب این است که آنان باید در حاشیه باشند (الماسی، لبادی و علیپور^۵، ۲۰۱۵).

نابرابری جنسیتی یکی از نابرابری‌هایی است که در جهان بطور اعم و در ایران بطور اخص زنان از آن رنج می‌برند، این نابرابری در ورزش دو چندان تشدید شده و تأثیر نامطلوبی بر ورزش بانوان داشته است (نظری آزاد، طالب پور و کاشانی^۶، ۲۰۱۸). به‌طوری که امروزه در بیشتر جوامع، زنان از فرصت‌هایی برابر برای شرکت در فعالیتهای ورزشی محروم بوده و با محدودیت‌هایی مواجهند. محدودیت‌های ساختاری و مدیریتی، محدودیت‌های مالی و امکاناتی، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله این محرومیت‌ها هستند؛ ولی این محرومیت‌ها در ایران به دلایل مختلف، به ویژه شرایط فرهنگی، اجتماعی حاکم بر کشور برجستگی بیشتری دارد (نظری آزاد و همکاران، ۲۰۱۸) و این مسئله سبب آسیب رساندن به توسعه پایدار برابری جنسیتی شده است (راموس، لاتوره، توماس و راموس^۷، ۲۰۲۲). برابری

1. Monazami, Alam & Shetab Boshehri

2. Nimrozi & Sahne

3. Posbergh

4. Hanlon & Taylor

5. Almasi, Lebadi & Alipour

6. Nazari Azad, Talebpour & Kashani

7. Ramos, Latorre, Tomás & Ramos

جنسیتی به معنای رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است به گونه‌ای که در حق هیچ کدام ستم یا اجحافی نشود. گزارشی که مجمع جهانی از شکاف جنسیتی جهان در سال ۲۰۲۰ ارائه نموده است، نشان از آن دارد که نابرابری جنسیتی در کلیه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و سیاسی و غیره، چالش‌های مختلفی را پیش‌روی زنان جهان قرار داده است و نه تنها آن‌ها را از دستیابی کامل به حقوق خود محروم نموده، بلکه کشورها را نیز از بهره‌مندی از پتانسیل‌های بالقوه زنان باز داشته است، مطابق این گزارش که حاصل بررسی ۱۵۳ کشور بوده است؛ هرچند وضعیت شکاف جنسیتی نسبت به گذشته اندکی بهبود پیدا کرده، اما همچنان فاصله بسیار زیادی با شرایط مطلوب دارد و در صورت حفظ روند فعلی ۹۹/۵ سال طول خواهد کشید تا زنان طعم برابری را احساس نمایند (سلامی و مظهري^۱، ۲۰۲۱).

تحقیقات گذشته نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی به‌عنوان یک ستاده در حوزه‌های مختلف به طور خاص ورزش تابع نهادهای مختلفی است. برای مثال نظری آزاد و همکاران (۱۳۹۸) با مطالعه تحلیل جامعه‌شناختی از نابرابری جنسیتی در ورزش (از منظر زنان ورزشکار قهرمان ملی) نشان دادند پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، الگوپذیری از والدین، نوع فعالیت ورزشی زنان، تحصیلات زنان، استفاده از رسانه‌ها بر نابرابری جنسیتی در ورزش تأثیر دارند و در این بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، الگوپذیری از والدین، تحصیلات زنان و استفاده از رسانه‌ها به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نابرابری جنسیتی در ورزش داشتند. دهقان بنادکی، زارع و احمدی نسب^۲ (۱۳۹۹) با بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد تبعیض جنسیتی در مدیریت ورزش کشور نشان دادند عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قانونی، سازمانی، شخصیتی و فردی در ایجاد تبعیض جنسیتی در سازمان‌های ورزشی مؤثر می‌باشند. غلامپور گالشکلومی، میرزایی، قدیمی و علیپور درویشی^۳ (۱۳۹۹) با مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تمایل جوانان به ورزش همگانی با تأکید بر زنان نشان دادند عدم وجود سرمایه‌ی اجتماعی، رفتار مطلوب اجتماعی و حمایت اجتماعی بر تمایل جوانان به ورزش همگانی تأثیرگذار هستند و عدم وجود پذیرش اجتماعی، هوش فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی و باورها و جهت‌گیری‌های اعتقادی و ارزشی تأثیری بر تمایل به انجام ورزش ندارند. احمدی،

1. Salami & Mazhari

2. Dehghan Benadaki, Zare, & Ahmadi Nasab

3. Gholampour Galshaklami, Mirzaei, Ghadimi & Alipour Darvishi

پژهان و قدیمی^۱ (۱۳۹۸) با تحلیل جامعه‌شناختی موانع اجتماعی مشارکت فعالیت‌های ورزشی زنان و مردان کشف کردند که بین اعتماد اجتماعی (اعتماد برون گروهی، اعتماد درون گروهی و اعتماد انتزاعی) کارکنان زن و مرد اختلاف وجود ندارد. همچنین بین احساس بی‌قدرتی کارکنان زن و مرد اختلاف وجود نداشت. علاوه بر این، بین خودپنداره (تصور فرد از خود و تصور فرد از تصور دیگران) در کارکنان زن و مرد اختلاف وجود ندارد. طهماسبی و ترکفر^۲ (۱۳۹۸) با بررسی ارتباط علی بین جامعه‌پذیری و انگیزش با مشارکت ورزشی کارکنان زن به این نتیجه رسیدند که جامعه‌پذیری و انگیزش ورزشی کارکنان زن، فراگردی است که به واسطه‌ی آن زنان، دانش و آگاهی‌های لازم و انگیزش را به منظور مشارکت مؤثر و فعال در عرصه‌های ورزشی کسب می‌کنند. در تحقیقی دیگر عنایت، حسن‌زاده و البرزی^۳ (۱۳۹۸) با بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با فعالیت‌های ورزشی زنان پی بردند که ۵۸/۳ درصد از زنان در شیراز، هیچ‌گونه فعالیت ورزشی ندارند که چیزی بیش از نیمی از زنان می‌باشد. همچنین این تحقیق نشان داد بین طبقه‌ی اجتماعی، تفکر قالبی، سرمایه‌ی بدنی، اعتماد اجتماعی و مشارکت فرهنگی و فعالیت‌های ورزشی زنان رابطه‌ی آماری معناداری وجود دارد. در مطالعه‌ای دیگر پپ^۴ (۲۰۲۰) با عنوان تفکیک جنسیتی و مسیرهای تغییر سازمانی (مشارکت کمتر زنان در مدیریت ورزشی) نشان داد که محرومیت زنان از مواضع مدیریت به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا از آشکار شدن شباهت جنسیتی بین زن و مرد جلوگیری کند که این منطق تحت تأثیر اختلاف جنسیتی بین زن و مرد قرار می‌گیرد. همچنین پالاسکاکوا^۵ (۲۰۲۰) با مطالعه پایداری کلیشه‌ای جنسیتی در ورزش زنان نشان داد اگرچه رشد مستمر در مشارکت زنان در ورزش وجود دارد، اما زنان هنوز در نهادهای تصمیم‌گیری مؤسسات ورزشی در سطح محلی، ملی، اروپا و جهانی از حضور کمتری برخوردار هستند. با این حال، نابرابری جنسیتی در جامعه رایج است، حتی اگر نحوه برخورد افراد با عدالت جنسیتی متفاوت باشد. دلیل این واقعیت این است که نابرابری نتیجه عوامل مختلفی است که فقط جنس نیست و تقویت برابری جنسیتی در ورزش یکی از مهم‌ترین اقدامات برای از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی است. پاتل^۶ (۲۰۲۱) نیز با مطالعه شکاف در حفاظت از حقوق زنان در ورزش

1. Ahmadi, Pezhhan, & Ghadimi

2. Tahmasabi & Turkafar

3. Enayat, Hassanzadeh & Alborzi

4. Pape

5. Palascakova

6. Patel

نشان داد پارامترهای اجتماعی جنسیت و هویت جنسیتی در حال تغییر هستند با این حال چارچوب‌های قوی حقوق بشری که از حق و حقوق جنسیت حمایت می‌کنند رابطه بین حقوق و ورزش ورزشکاران را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار داده است و به نوعی اجرای حقوق بشر در ورزش با نوعی تبعیض همراه است. مک‌گورن^۱ (۲۰۲۱) نیز در تحقیقی با عنوان تلاقی کلاس جنسیت و نسل در شکل‌گیری تجربیات ورزشی زنان بومی ایالات متحده گزارش کرد که طبقه اجتماعی زنان بر انتخاب‌های ورزشی از طریق محل زندگی‌شان تأثیرگذار است. خانواده‌های طبقه متوسط و بومی از منابع لازم برای دسترسی به ورزش‌های سازمان یافته و اولویت‌دار در مشارکت برخوردار هستند. خانواده‌های طبقه پایین و مهاجر ارزش کمتری برای ورزش سازمان یافته قائل هستند و منابع کمتری برای پرداختن به این مهم دارند. افزون بر این، اریکسون^۲ (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان رویاهای نوجوانان برای تبدیل شدن به ورزشکار حرفه‌ای: شکاف جنسیتی در جاه‌طلبی ورزشی نوجوانان مشخص کرد در نروژ پسرها و دخترها نرخ مشارکت ورزشی یکسان و برابری دارند. علیرغم آن بین جاه‌طلبی آن‌ها به تناسب جنسیت‌شان تفاوت وجود دارد. همچنین تحقیق نامبرده نشان داد پسران به نسبت دختران تمایل بیشتری دارند که در آینده تبدیل به ورزشکار حرفه‌ای شوند این در حالی بود که تعداد کمی از دختران این نظر را داشتند در نتیجه استدلال نویسنده این تحقیق این است که روایت‌های فرهنگی ادراک و جاه‌طلبی این افراد را شکل داده است و از بعد منطقی به نظر می‌رسد امکانات محدود، منابع و پشتیبانی محدود برای دختران سبب شکل‌گیری چنین ادراکی شده باشد. همچنین سایتوا و دی‌مائور^۳ (۲۰۲۱) نشان دادند ساختار و شیوه‌های برابری جنسیتی به طور مؤثر در سازمان‌ها نهادینه نشده است. در مقابل ویژگی‌های فردی مدیران زن از جمله عزم، اعتماد به نفس و توانایی مقابله با همکاران مرد عواملی هستند که بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری نقش اساسی دارند. سرانجام ایونز و مایلی^۴ (۲۰۲۱) نشان دادند علیرغم قانون برابری جنسیتی در محل کار سوگیری نا خودآگاه مانع رسیدن زنان به پست‌های مدیریتی سطح بالا است. لذا لازم یک برنامه اقدام راهبردی برای برابری جنسیتی در نظر گرفته شود.

مرور مطالعات گذشته نشان می‌دهد بحث نابرابری و تبعیض جنسیتی در ورزش همواره مورد توجه محققان ورزشی و غیرورزشی بوده است و هر کدام از این تحقیق‌ها از جنبه‌های مختلف علل این تبعیض‌ها و نابرابری‌ها را بررسی کرده‌اند. همچنین مشخص گردید نابرابری به عنوان یک ستاده در

1. McGovern

2. Eriksen

3. Saitova & Di Mauro

4. Evan & Maley

ورزش زنان تنها مربوط به جنس نیست و در مقابل تقویت برابری جنسیتی و ارائه راهکارهای برای برابری جنسیتی اقداماتی است که لازم است برای مرتفع کردن نابرابری‌ها مورد توجه قرار گیرد. شایان ذکر است نابرابری جنسیتی در ورزش سبب شده است ورزش زنان به حاشیه رانده شود به موازات آن زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه با موانع بیشتری در انجام فعالیت‌های ورزشی روبه‌رو شوند در نتیجه دشواری‌ها و چالش‌های اساسی پیرامون ورزش کردن آنها پدیدار شده است. بر مبنای شواهد و قرائن موجود به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از این نابرابری‌ها ریشه در ایدئولوژی جنسیتی داشته باشد که برای مرتفع کردن آنها تقویت برابری جنسیتی می‌تواند مثر ثمر باشد. از طرفی نگاهی به آنچه در دهه‌های گذشته و حتی پیش از انقلاب جریان داشته است، نشان می‌دهد که ورزش بانوان هیچگاه یک حرکت زنده و واقعی در جامعه ایرانی نداشته است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دلیل اهمیت مسائل شرعی، ورزش بانوان و محیط‌های ورزشی زنان از مردان جدا گردید و امر ورزش زنان، مربیگری و سرپرستی آن به خود آنها واگذار شد و سبب بحران ناشی از کم تجربه بودن زنان در امر مدیریت شده است. این در حالی است که در فرایند توسعه، نقش زنان را به عنوان نیمی از نیروی کار فعال در امر ورزش نمی‌توان نادیده گرفت چرا که مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند تأثیر مهمی بر فرایند توسعه و اتخاذ سیاست‌های مربوط داشته باشد و با توجه به اینکه زنان شرکت‌کنندگان فعال در فرایند توسعه هستند، رسیدن به توسعه ورزشی بدون شناسایی دقیق مشارکت زنان و نیازهای آنان ممکن نیست. لذا مطالعه حاضر درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که چگونه می‌توان برابری جنسیتی را در ورزش زنان نهادینه کرد؟

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه کیفی و روش آن از نوع نظریه داده بنیاد رهیافت ساخت‌گرایانه^۱ است. مشارکت‌کنندگان این مطالعه را ذینفعان (ورزشکاران زن و مرد قهرمان ملی، صاحب‌نظران ورزش زنان، مدیران ورزش، جامعه‌شناسان ورزشی و حقوق‌دانان ورزشی) تشکیل می‌دادند (اطلاعات جمعیت‌شناختی این افراد در جدول ۱، ارائه شده است). انتخاب این افراد به صورت هدفمند بود. چرا که نمونه‌گیری در نظریه داده‌بنیاد با استخدام افرادی آغاز می‌شود که فرض می‌شود قادر به ارائه بینش دقیق در رابطه با سؤالات مطالعه هستند. دلیل اینکه شرکت‌کنندگان از طیف‌های مختلفی انتخاب شدند این بود که طیفی از دیدگاه را در مورد برابری جنسیتی در ورزش ایران را بررسی کنیم. زمانی که مصاحبه انجام شد از

مصاحبه ۱۴ تا ۱۷ ما تکرار اطلاعات مصاحبه را تجربه کردیم با این حال برای اطمینان از اشباع داده‌ها، ۵ مصاحبه دیگر انجام و در مجموع ۲۲ مصاحبه انجام شد.

جدول شماره (۱): اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سابقه کاری (ورزشی)	تحصیلات	رشته تحصیلی	زمینه فعالیت
۱	مرد	۱۸ سال	دکتری	جامعه‌شناسی ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه
۲	زن	۱۲ سال	کارشناسی ارشد	مدیریت ورزشی	عضو تیم ملی والیبال
۳	مرد	۱۵ سال	کارشناسی ارشد	تحصیلات حوزوی	مدیر فرهنگی ورزشی حوزه علمیه بانوان
۴	مرد	۱۵ سال	دکتری	مدیریت ورزشی	عضو تیم ملی والیبال
۵	مرد	۲۱ سال	دکتری	جامعه‌شناس ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه
۶	مرد	۲۵ سال	دکتری	حقوق ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه
۷	زن	۲۸ سال	دکتری	مدیریت ورزشی	مدیر کل دفتر سیاست‌گذاری و توسعه ورزش بانوان
۸	مرد	۱۵ سال	کارشناسی ارشد	حقوق ورزشی	عضو کمیته حقوقی فدراسیون بسکتبال
۹	زن	۲۶ سال	کارشناسی ارشد	مددکار اجتماعی	مسئول بسیج ورزش بانوان
۱۰	مرد	۱۵ سال	کارشناسی	تربیت بدنی	عضو تیم ملی بسکتبال
۱۱	زن	۱۸ سال	دکتری	جامعه‌شناسی ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه
۱۲	زن	۱۰ سال	کارشناسی	تربیت بدنی	عضو تیم ملی صخره‌نوردی
۱۳	زن	۱۶ سال	کارشناسی	تربیت بدنی	عضو تیم ملی شای زنان
۱۴	زن	۲۱ سال	دکتری	مدیریت ورزشی	نائب رئیس فدراسیون ووشو
۱۵	مرد	۱۴ سال	دکتری	جامعه‌شناسی ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه
۱۶	زن	۱۹ سال	دکتری	مدیریت ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه
۱۷	مرد	۱۵ سال	دکتری	حقوق ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه
۱۸	مرد	۱۳ سال	کارشناسی	تربیت بدنی	عضو تیم ملی فوتسال
۱۹	مرد	۱۱ سال	دکتری	جامعه‌شناسی ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه
۲۰	زن	۳۰ سال	کارشناسی	تربیت بدنی	مدیر کل ورزش بانوان وزارت ورزش
۲۱	زن	۲۴ سال	کارشناسی	تربیت بدنی	کارشناس بانوان وزارت ورزش
۲۲	مرد	۱۲ سال	دکتری	مدیریت ورزشی	عضو هیات علمی دانشگاه

در این مطالعه جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. داده‌های مصاحبه به صورت رودرو و تلفنی جمع‌آوری شد. در انجام مصاحبه دو دسته سؤال طرح شد. دسته اول به سؤالات جمعیت‌شناختی اختصاص داشت و دسته دوم سؤالاتی بودند که پیرامون موضوع تحقیق از پیش طرح

شده بودند. این سؤالات عبارتند از: (۱) تعریف شما از برابری چیست؟ (۲) شما برابری جنسیتی را چگونه تعریف می‌کنید؟ (۳) آیا مطابق تعریفی که از برابری جنسیتی ارائه کردید در ورزش این برابری دیده می‌شود؟ (۴) دلیل اینکه در ورزش ایران برابری جنسیتی وضعیت مناسبی ندارد چیست؟ (۵) به نظر شما برای اینکه برابری جنسیتی در ورزش حکم‌فرما شود چه اقداماتی بایستی انجام شود؟ (۶) چه عواملی مؤثر بر برابری جنسیتی در ورزش ایران هستند؟ (۷) این عوامل چگونه برابری جنسیتی در ورزش را نهادهای می‌کنند؟ جهت بررسی کیفیت و اعتباربخشی به نتایج پژوهش حاضر معیارهای ارزشیابی لینکلن و گابا^۱ (۱۹۸۵) شامل معیارهای اعتبار، انتقال، قابلیت اعتماد و تأییدپذیری مدنظر قرار گرفتند (۹). در ادامه، ضمن بررسی مورد به مورد هر یک از این معیارها، به برخی راهبردهای مناسب برای برآورده ساختن این معیارها در پژوهش حاضر نیز اشاره شده است. اعتبار: برای دستیابی به این معیار، در پژوهش حاضر از روش‌های زیر استفاده شد: الف، ارزیابی چندجانبه: در فرایند جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و انتخاب نمونه پژوهش برای مصاحبه و طراحی سؤالات مصاحبه از منابع و جنبه‌های گوناگونی استفاده شده است. ب، ارزیابی شرکت‌کنندگان از پژوهش: متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده برای مشارکت‌کنندگان در مصاحبه ارسال و نقطه نظرات آنها اعمال شد. انتقال‌پذیری: در پژوهش حاضر، به‌منظور دستیابی به این معیار از روش‌های زیر استفاده شد: الف، مستندسازی: تمام مراحل پژوهش برای استفاده احتمالی محققان دیگر به صورت مکتوب مستندسازی شد. ب، گزارش شرایط زمینه‌ای: شرایط جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان به صورت تفصیلی ارائه شد. قابلیت اعتماد: در پژوهش حاضر دستیابی به این معیار از طریق روش زیر انجام گرفت: الف، استفاده از دوکدگذار: بدین منظور از یکی از متخصصان حوزه مدیریت در فرایند کدگذاری در پژوهش کمک گرفته شد. به صورت تصادفی دو مصاحبه انتخاب شد و پس از آموزش‌های لازم کدگذاری توسط ایشان انجام گرفت. در هر یک از مصاحبه‌ها کدهایی که از نظر دو نفر مشابه بودند، با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند و درصد توافق بین دو کدگذار با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد و نتایج آن در قالب جدول (۲) ارائه شد.

$$\text{درصد پایایی} = \frac{2 \times \text{تعداد توافقات}}{100 \times \text{تعداد کل کدها}}$$

جدول شماره (۲): نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

شماره مصاحبه	کل کدها	توافقات	عدم توافقات	درصد پایایی
P5	۱۳	۵	۳	۰/۷۶۹
P11	۱۷	۸	۱	۰/۹۴۱
کل	۳۰	۱۳	۴	۰/۸۶۶

همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، پایایی کل بین دو کدگذار برابر با ۸۶ درصد است. با توجه به این‌که پایایی بیش از ۶۰ درصد است قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید شد. تأییدپذیری: بدین منظور در پژوهش حاضر از روش‌های زیر استفاده شد: الف، ارزیابی متخصصان خارج از فرایند پژوهش: نتایج این پژوهش در اختیار چند تن از اساتید دانشگاه خارج از فرایند پژوهش قرار گرفت. پس از مطالعه و بازبینی ایشان نظرات آن‌ها اخذ شد. ب، تشریح فرایند پژوهش: در متن حاضر مراحل پژوهش اعم از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و شکل‌گیری درون‌مایه‌ها، به‌منظور فراهم آوردن امکان ممیزی پژوهش برای مخاطبان و خوانندگان تشریح شده است. سرانجام به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه فرایند همپوش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از روز اول جمع‌آوری داده‌ها آغاز شد که به کمک رونویسی، یادداشت‌نویسی، کدگذاری، مقایسه ثابت و مرتب‌سازی نظری، نمودارسازی و یکپارچه‌سازی انجام شد و به محض تکمیل آن‌ها، رونویسی شدند. پژوهش‌گر تمام موارد ضبط شده را در Microsoft Word رونویسی کرد. سپس رونوشت‌ها بررسی شد و برای بازبینی از طریق ایمیل برای شرکت کنندگان ارسال شد. این کار برای اطمینان از اینکه رونوشت نظرات شرکت کننده را منعکس می‌کند انجام شد. برای تسهیل فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها، یادداشت نویسی در مرحله بعد از هر مصاحبه، در حین رونویسی و در طول کدگذاری انجام شد. آنها شامل بازتابی در مورد محیط، نحوه بیان احساسات و پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، کیفیت مصاحبه، درس‌های آموخته شده و استراتژی‌هایی برای مصاحبه‌های بعدی بودند. یادداشت‌ها در حین رونویسی بر روی کلمات کلیدی، الگوها و شکاف‌هایی که باید پر شوند متمرکز بودند. یادداشت نویسی در طول کدنویسی بر رابطه بین ایده‌های کلیدی و مضامینی که در طول تجزیه و تحلیل پدیدار می‌شوند متمرکز بود. شایان ذکر است کدگذاری قلب تجزیه و تحلیل در نظریه داده بنیاد است که فرآیند مرتب‌سازی و ترکیب مقادیر زیاد داده‌ها به عبارات مختصر و معنادار با توسعه دسته‌ها و زیرمجموعه‌ها است و شامل مراحل مختلفی است.

در این مطالعه چون نظریه داده بنیاد رهیافت ساخت‌گرایانه انتخاب شد، دو مرحله کدگذاری باز و کدگذاری متمرکز که اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش است استفاده شد. کدگذاری باز؛ کدگذاری باز از نظر واحد تحلیل به صورت سطر به سطر، عبارت به عبارت، یا پاراگراف به پاراگراف یا به صورت صفحه‌ی جداگانه انجام شد. چنانچه واحد کدبندی، سطر بود به هر یک از سطرها یا جمله‌ها، مفهوم یا کدی الصاق شد. این کدها یا مفاهیم حداکثر فضای مفهومی و معنای آن را اشباع کردند. کدگذاری متمرکز؛ مرحله دوم کدگذاری داده‌ها به کدگذاری متمرکز مرسوم است. در این مرحله، کدهای باز به صورت یک شبکه با هم مرتبط شدند. مبنای تلفیق کدهای باز یا مفاهیم اصلی که محصول کدگذاری باز هستند، قرابت و نزدیکی معنایی بود. سرانجام برای اینکه بتوان نظریه ارائه داد و ساخت نظریه نیز مستلزم مشخص کردن روابط بین عوامل احصاء شده است، از این‌رو علاوه بر کدگذاری، مقوله‌های فرعی نیز به مانند کدگذاری متمرکز با هم ادغام شدند و در نهایت خوشه‌های نهایی شناسایی شدند.

یافته‌ها

از تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته ۶۸ مفهوم نهایی پدیده آمده است که برخی از آن‌ها منحصر به فرد و برخی نیز بین دو مشارکت‌کننده و بیشتر یکسان بود. سپس با اقتباس از نتایج حاصل از کدگذاری متمرکز ۱۵ مقوله فرعی ایجاد شد (جدول ۳).

جدول شماره (۳): کدگذاری متمرکز مبتنی بر نتایج حاصل از کدگذاری اولیه

مقوله‌های فرعی	مفاهیم حاصل شده از کدگذاری اولیه	کد مصاحبه
حمایت رسانه‌ها	بازنمایی مثبت رسانه‌ها از ورزش زنان	P6, P9, P16, P18, P21
	با اهمیت جلوه دادن فعالیت‌های زنان ورزشکار از سوی رسانه‌ها	P2, P14, P15, P19
	تغییر جهت برنامه‌های رسانه به سود ورزش زنان	P14, P16, P17
	پوشش خبری ورزش زنان از سوی رسانه‌ها	P4, P9, P14, P15, P19
	ارتقاء سهم ورزش زنان در برنامه‌های تلویزیونی	P4, P5, P18, P21
	روایت زندگی ورزشکاران زن نخبه از سوی رسانه‌ها	P2, P3, P14, P19
امنیت اجتماعی	برابری خواهی	P1, P9, P14, P16
	پذیرش نقش‌های اجتماعی متفاوت	P10, P11, P13
	نگاه برابر در آموزش و توانمندسازی ورزشکاران	P13, P20
	گسترش ارزش‌های حیاتی متعلق به گروه‌های خاص در جامع	P10, P11, P19

انسانیت و اجتماعی	امکانات و تجهیزات برابر	P10, P21
	کاهش تمایز جنسیتی در جامعه	P10
	ساخت و تحکیم هویت جنسیتی	P8, P9, P15
	کاهش کلیشه‌های زن‌ستیزانه از سوی مردان نسبت به گذشته	P2, P8, P19
	اصلاح اندیشه‌های زن‌ستیزانه در جامعه	P8, P10, P14
حمایت قانونی	بازتولید قدرت و فرادستی زنان ورزشکار	P3, P5
	احترام به عزت شرف و انسانیت زنان	P11, P12, P16, P18
	تقویت ارزش‌های فرهنگی- جنسیتی در جامعه	P1, P4, P12
حمایت اجتماعی	تدوین قانون حمایت از ورزشکاران زن	P3, P5, P7
	اصلاح قانون گذرنامه در راستای تسهیل امکان خروج زنان از کشور	P3, P9, P16, P21
	مشخص کردن وظایف و صلاحیت نهادهای ورزشی	P4, P8, P10
	تدوین دستورالعملی مدون و همه شمول در خصوص ورزش زنان	P10, P11, P22
توانمندسازی جمعی	حمایت خانواده‌ها از ورزش کردن فرزندان دختر	P3, P4, P8, P11
	تغییر نگاه سنتی خانواده‌ها نسبت به حضور فرزندان دختر در فعالیت‌های ورزشی	P3, P22
	حمایت دوستان در قالب همراهی و تشویق	P2, P4, P5
	محدود نشدن نقش‌های جنسیتی دختران از سوی جامعه	P12, P13, P14
توانمندسازی فردی	افزایش تعامل زنان و دختران ورزشکار جامعه با هم‌نوعان خود	P2, P8, P10, P14, P15
	تقویت مهارت‌های گروهی زنان ورزشکار	P4, P8, P16
	حضور زنان در مجامع ورزشی	P9, P17, P19
	سازماندهی جمعی زنان ورزشکار برای اهداف و فهمی مشترک	P9, P15
امنیت فردی	تقویت روحیه تعاون زنان ورزشکار	P9, P4, P15
	خودباوری فردی زنان ورزشکار	P5, P15, P22
	افزایش مهارت‌های بین فردی زنان ورزشکار	P3, P10
	رشد و شکوفایی استعدادهای فردی زنان ورزشکار	P3
امنیت عمومی	رشد اعتماد به نفس زنان ورزشکار	P3, P15, P21
	داشتن حق مالکیت	P3, P12
	حفظ کرامت انسانی	P1, P3, P9, P10
	داشتن حق آزادی	P10
حمایت دولت	تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود زنان ورزشکار	P10, P11
	مهیاسازی محیط امن برای انجام فعالیت ورزشی زنان	P7, P9, P14, P22
	آسان‌سازی دسترسی محلی به فضاهای لازم برای ورزش زنان	P1, P3, P4, P6
	مهیاسازی محیط شهرها برای ورزش زنان	P3, P4, P6
حمایت دولت	حمایت مالی دولت از ورزش زنان	P4, P8
	سرمایه گذاری میان مدت و بلند مدت دولت در ورزش زنان	P3, P14, P15, P18, P19



	حمایت دولت از پیشگامان تغییر فعالانه در ورزش زنان	P3, P16, P21, P22
	فراهم سازی امنیت شغلی در سطح عالی برای کارکنان زن	P1, P5, P9
	تجلیل از قهرمانان ورزشی زن	P1, P9
	اختصاص بودجه لازم از سوی دولت به ورزش زنان	P7, P11, P14, P15
	ایجاد فرصت‌های برابر به زنان در سطوح نظارتی و تصمیم‌گیری در ورزش	P3, P11, P5
حمایت سازمان‌های ورزشی	تعریف قواعد اخلاقی در سازمان‌های ورزشی	P9, P11, P12
	پذیرش ارزش‌های جنسیتی توسط سازمان‌های ورزشی	P9, P12, P15
	پیاده سازی ضوابط کاری، رفتاری و اخلاقی به‌صورت برابر	P11, P12, P19
	حفظ کرامت کارکنان زن در سازمان‌های ورزشی	P3, P4
مطالبه‌گری زنان	مطالبه‌گر بودن فعالان حوزه ورزش زنان نسبت به نابرابری‌ها	P15, P20
	درخواست زنان ورزشکار برای حقوق برابر	P7, P9, P11, P13
	پیگیری مستمر خواسته‌ها از سوی زنان	P14, P21
جانشین‌پروری	انتصاب مدیران زن توانمند و متخصص	P2, P14
	تربیت نیروی انسانی متخصص	P2, P14
	استفاده از زنان ورزشکار کارآزموده در سطوح اجرایی	P2, P15, P19
	فراهم نمودن زمینه ارتقای کارکنان زن مسئولیت‌پذیر به رده‌های شغلی بالاتر	P14, P17, P20
شکست سقف شیشه‌ای	کاهش تعصبات مسئولان نسبت به ورزش زنان	P15, P16
	اتخاذ سیاست‌های سازگار با مصالح زن و خانواده	P1, P7, P9, P22
	حضور بیشتر زنان متخصص ورزش در عرصه عمل	P11, P16, P17, P18, P22
	حضور زنان ورزشکار در پست‌های مدیریتی ورزش	P11, P12
مقابله با هنجارهای جنسیتی	مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان ورزش کشور	P3, P7, P12, P15, P16
	کاهش سوگیری جنسیتی در محیط در ورزش	P1, P9, P13, P15, P19
	مقابله با سوء رفتارهای جنسیتی	P14, P15, P17
	کاهش بی‌عدالتی‌های آشکار در حق ورزشکاران زن	P3, P11, P13, P14

سپس بر مبنای تحلیل‌های انجام گرفته چهار خوشه اصلی حاصل گردید:

خوشه اول: امنیت

امنیت دوری از هرگونه تهدید و نیز آمادگی برای رویارویی با خطرات است. مفهوم امنیت نسبی و دارای شدت و ضعف است، به این معنا که در برخی موقعیت‌ها (زمان و مکان‌های مختلف) در ذهن افراد ارتقا یا کاهش می‌ابد با این حال امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است. امنیت را بسته به زمینه کاربرد می‌توان به چند گروه امنیت فردی، امنیت عمومی، امنیت خانواده، امنیت اجتماعی، امنیت

داخلی، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای، امنیت سایبری و غیره تقسیم کرد. در این مطالعه امنیت عامل تأثیرگذاری است که خود از ترکیب سه مقوله فرعی به‌نام‌های امنیت فردی، امنیت عمومی و امنیت اجتماعی تشکیل شده است. براساس بررسی‌های انجام گرفته این عوامل با نهادهای سازی برای جنسیتی در ورزش ایران ارتباط دارند. شایان ذکر است مقوله امنیت فردی خود از ترکیب سه مفهوم اصلی داشتن حق مالکیت، حفظ کرامت انسانی و داشتن حق آزادی تشکیل شده است. همچنین امنیت اجتماعی ترکیبی از مفاهیم برابرخواهی، پذیرش نقش‌های اجتماعی متفاوت، نگاه برابر در آموزش و توانمندسازی ورزشکاران، گسترش ارزش‌های حیاتی متعلق به گروه‌های خاص در جامع، امکانات و تجهیزات برابر، کاهش تمایز جنسیتی در جامعه و ساخت و تحکیم هویت جنسیتی است. افزون بر این، امنیت عمومی از ترکیب چهار مفهوم تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود زنان ورزشکار، مهیاسازی محیط امن برای انجام فعالیت ورزشی زنان، آسان‌سازی دسترسی محلی به فضاهای لازم برای ورزش زنان و مهیا کردن محیط شهرها برای ورزش زنان تشکیل شده است.

خوشه دوم: حمایت

بر مبنای این خوشه یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار کلان بر نهادهای سازی برابر جنسیتی در ایران پشتیبانی و حمایت است. حمایت انواع مختلفی دارد در این مطالعه حمایت ترکیبی از پنج مقوله فرعی به نام‌های حمایت رسانه‌ای، حمایت قانونی، حمایت اجتماعی، حمایت دولت و حمایت سازمان‌های ورزشی است. شایان ذکر است حمایت رسانه‌ای خود از ترکیب شش مفهوم اصلی به‌نام‌های بازنمایی مثبت رسانه‌ها از ورزش زنان، با اهمیت جلوه دادن فعالیت‌های زنان ورزشکار از سوی رسانه‌ها، تغییر جهت برنامه‌های رسانه به سود ورزش زنان، پوشش خبری ورزش زنان از سوی رسانه‌ها، ارتقاء سهم ورزش زنان در برنامه‌های تلویزیونی، روایت زندگی ورزشکاران زن نخبه از سوی رسانه‌ها تشکیل شده است. همچنین حمایت قانونی از ترکیب چهار مفهوم اصلی، حمایت اجتماعی از ترکیب چهار مفهوم اصلی، حمایت دولت از ترکیب هفت مفهوم اصلی و در نهایت حمایت سازمان‌های ورزشی از ترکیب چهار مفهوم اصلی تشکیل شده‌اند.

خوشه سوم: توانمندسازی و بهسازی

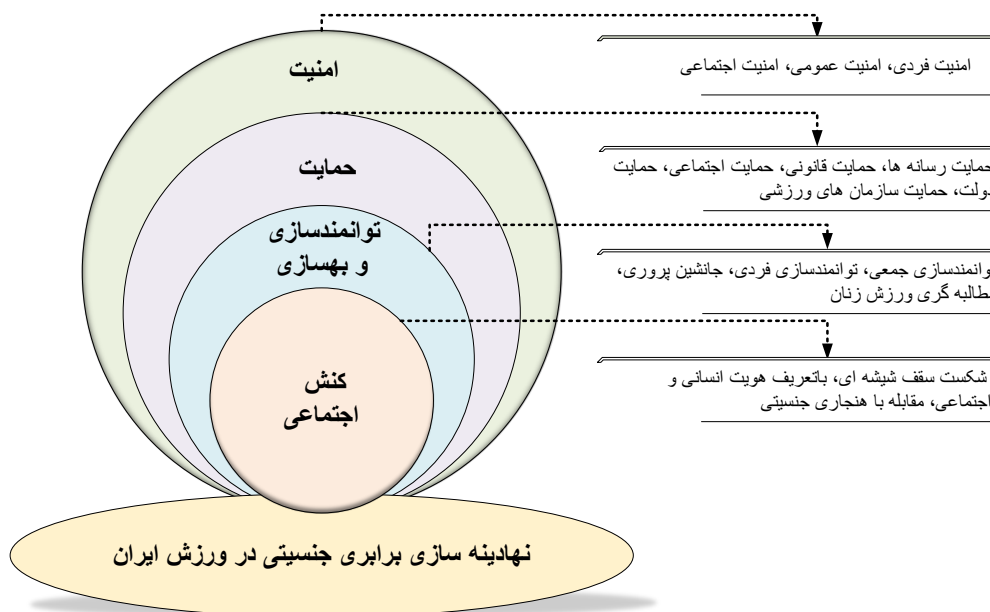
توانمندسازی و بهسازی فرایندی از ارتقاء و پیشرفت است که در خود گزینه‌های جدید و تازه را جای می‌دهد و در کنار امنیت و حمایت یکی دیگر از متغیرهای کلان اثرگذار بر نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران می‌باشد که خود از ترکیب چهار مقوله فرعی به‌نام‌های توانمندسازی جمعی، توانمندسازی فردی، جانشین‌پروری و مطالبه‌گری زنان تشکیک شده است.

خوشه چهارم: کنش اجتماعی

عملی است که کنش‌ها و واکنش‌های افراد (یا کنشگران) را در نظر می‌گیرد. به گفته ماکس وبر^۱، کنش تا آنجا که معنای ذهنی رفتار دیگران را در نظر می‌گیرد و در نتیجه در مسیر خود جهت‌گیری می‌کند، اجتماعی است (والتون^۲، ۲۰۲۲). در این مطالعه کنش اجتماعی ترکیبی از مقوله‌های فرعی شکست سقف شیشه‌ای، بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی و مقابله با هنجارهای جنسیتی است. شایان ذکر است شکست سقف شیشه‌ای خود از ترکیب پنج مفهوم اصلی به‌نام‌های کاهش تعصبات مسئولان نسبت به ورزش زنان، اتخاذ سیاست‌های سازگار با مصالح زن و خانواده، حضور بیشتر زنان متخصص ورزش در عرصه عمل، حضور زنان ورزشکار در پست‌های مدیریتی ورزش و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان ورزش کشور تشکیل شده است. همچنین بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی از ترکیب کاهش کلیشه‌های زن‌ستیزانه از سوی مردان نسبت به گذشته، اصلاح اندیشه‌های زن‌ستیزانه در جامعه، بازتولید قدرت و فرادستی زنان ورزشکار، احترام به عزت شرف و انسانیت زنان و تقویت ارزش‌های فرهنگی-جنسیتی در جامعه ایجاد شده است. سرانجام اینکه مقابله با هنجارهای جنسیتی ترکیبی از سه مفهوم کاهش سوگیری جنسیتی در محیط در ورزش، مقابله با سوء رفتارهای جنسیتی و کاهش بی‌عدالتی‌های آشکار در حق ورزشکاران زن است.

سرانجام مشخص شد نهادهای سازی برابر جنسیتی در ورزش ایران شامل تعاملات بین عوامل و سطوح متعدد است و لزوماً از الگوهای گذشته پیروی نمی‌کند. این بدین معناست که برای نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران ابتدا باید امنیت برقرار باشد. پس از اینکه امنیت در ابعاد فردی، عمومی و اجتماعی مهیا شد لازم است حمایت و پشتیبانی لازم بعمل آید. این حمایت در پنج بعد حمایت رسانه‌ای، حمایت قانونی، حمایت اجتماعی، حمایت دولت و حمایت سازمان‌های ورزشی بایستی پیگیری شود. در ادامه لازم است توانمندسازی و بهسازی که خود ترکیبی از ابعاد توانمندسازی جمعی، توانمندسازی فردی، جانشین‌پروری و مطالبه‌گری زنان است مورد توجه قرار گیرد. سرانجام در بالاترین سطح لازم است کنش اجتماعی انجام شود. این کنش باید در سه بعد شکست سقف شیشه‌ای، بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی و مقابله با هنجارهای جنسیتی باشد. براین اساس الگوی زیر برای نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران ارائه می‌شود.

1. Max Weber
2. Walton



شکل شماره (۱): الگوی نهادینه سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران

بحث و نتیجه گیری

هدف این مطالعه ارائه الگوی نهادینه سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران بود. یافته های برآمده از داده های تحقیق نشان داد نهادینه سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران تابع چهار متغیر کلان (چهار خوشه) است. برای نهادینه سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران ابتدا باید امنیت برقرار باشد. پس از اینکه امنیت در ابعاد فردی، عمومی و اجتماعی مهیا شد لازم است حمایت و پشتیبانی لازم بعمل آید. در ادامه لازم است توانمندسازی و بهسازی که خود ترکیبی از ابعاد توانمندسازی جمعی، توانمندسازی فردی، جانشین پروری و مطالبه گری زنان است مورد توجه قرار گیرد. سرانجام در بالاترین سطح لازم است کنش اجتماعی انجام شود. در ادامه ضمن بررسی هر یک خوشه ها، دلیل اینکه چرا این عوامل مؤثر بر نهادینه سازی برابری جنسیتی در ورزش هستند و چگونه اثر می گذارند به طور جداگانه تبیین می شود.

امنیت: امنیت دوری از هرگونه تهدید و نیز آمادگی برای رویارویی با خطرات است. مفهوم امنیت نسبی و دارای شدت و ضعف است، به این معنا که در برخی موقعیت ها (زمان و مکان های مختلف) در ذهن افراد ارتقا یا کاهش میابد با این حال امنیت از ضروری ترین نیازهای یک جامعه است. امنیت را بسته به زمینه کاربرد می توان به چند گروه امنیت فردی، امنیت عمومی، امنیت خانواده، امنیت اجتماعی، امنیت

داخلی، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای، امنیت سایبری و غیره تقسیم کرد. در این مطالعه امنیت عامل تأثیرگذاری است که خود از ترکیب سه مقوله فرعی به نام‌های امنیت فردی، امنیت عمومی و امنیت اجتماعی تشکیل شده است.

امنیت اجتماعی: این مقوله اشاره به این دارد که پیش شرط برابری جنسیتی در ورزش این است که امنیت اجتماعی رعایت شود. چرا که در گذشته ورزش زنان با عدم اعتدال جنسیتی مواجهه بوده است و سال‌ها کلیشه‌های رایج جنسیتی، مجال بروز و ظهور توانایی‌ها و پذیرش نقش‌های اجتماعی متفاوت را از زنان دریغ کرده است و این روند باید تغییر پیدا کند و تا زمانی که این تغییرات اتفاق نیفتد، برابری و انصاف نمی‌تواند در زمینه ورزش حاصل شود. شایان ذکر است امنیت اجتماعی به معنای تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود و طرح نظر گروه‌های مختلف اجتماعی از قبیل زنان، جوانان، اقوام و اقلیت‌ها، هنگامی موثر و مطرح است که به عنوان یک امر گریزناپذیر یا یک ارزش پذیرفته شود. در این تحقیق منظور از امنیت اجتماعی برابری خواهی، پذیرش نقش‌های اجتماعی متفاوت، ظرفیت‌سازی حضور برابر در عرصه ورزش، گسترش ارزش‌های حیاتی متعلق به گروه‌های خاص در جامع، امکانات و تجهیزات برابر، کاهش تمایز جنسیتی در جامعه و ساخت و تحکیم هویت جنسیتی است. تحقیقی که پیش‌تر مشخص کرده باشد امنیت اجتماعی مؤثر بر نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش است یافت نشد.

امنیت عمومی: در این تحقیق مرجع امنیت عمومی، تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود زنان ورزشکار، مهیاسازی محیط امن برای انجام فعالیت ورزشی زنان، آسان‌سازی دسترسی محلی به فضاهای لازم برای ورزش زنان و مهیا کردن محیط شهرها برای ورزش زنان است. این یافته به‌طور نسبی با نتایج مطالعات (اریکسون^۱، ۲۰۲۱) مبنی بر اینکه با بررسی شکاف جنسیتی در ورزش گزارش کرده بود، امکانات محدود و پشتیبانی محدودی از ورزش دختران می‌شود و تحقیق برابری جنسیتی در ورزش ملزم مرتفع کردن این محدودیت‌ها است، همخوان است. همچنین این یافته با نتایج مطالعه (السرو^۲، ۲۰۲۲) که نشان داد تحقق عدالت جنسیتی در ورزش با چالش نبود عدالت جنسیتی همراه است و این چالش بایستی مرتفع شود همسو است. براساس این مقوله اگر رخدادی یا کنشی علیه این ارزش‌ها اتفاق بیفتد، نهادهای سازی برابری جنسیتی آسیب می‌بیند. چرا که این ارزش‌ها راه‌هایی هستند که امنیت زنان

1. Eriksen

2. Alsarve

در عرصه اجتماع فراهم می‌سازند و زنان بدون ترس و اضطراب در ورزش و فعالیت‌های ورزشی مشارکت می‌کنند.

امنیت فردی: همانطور که در امنیت اجتماعی، گروه مرجع امنیت به شمار می‌آید در امنیت فردی، فرد به عنوان مرجع امنیت تلقی می‌شود. این مقوله اشاره به این دارد که صرف داشتن امنیت اجتماعی نمی‌تواند ضامن نهادینه‌سازی برابری جنسیتی در ورزش باشد و در کنار مهم تلقی شدن امنیت اجتماعی لازم است امنیت فردی نیز مورد توجه قرار گیرد. کما اینکه امنیت فردی می‌تواند ضامن شکل‌گیری امنیت اجتماعی در سطح بالاتر باشد. شایان ذکر است امنیت فردی در این مطالعه از ترکیب سه مفهوم اصلی به‌نام‌های داشتن حق مالکیت، حفظ کرامت انسانی و داشتن حق آزادی تشکیل شده است. تحقیقی که پیش‌تر مشخص کرده باشد امنیت فردی مؤثر بر نهادینه‌سازی برابری جنسیتی در ورزش است یافت نشد.

حمایت: بر مبنای این خوشه یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار کلان بر نهادینه‌سازی برابر جنسیتی در ایران پشتیبانی و حمایت است. حمایت انواع مختلفی دارد در این مطالعه حمایت ترکیبی از پنج مقوله فرعی به نام‌های حمایت رسانه‌ای، حمایت قانونی، حمایت اجتماعی، حمایت دولت و حمایت سازمان‌های ورزشی است.

حمایت رسانه‌ها: ورزش و رسانه با هم وابسته بوده و با یکدیگر رابطه هم‌زیستی مسالمت آمیزی دارند. اما برای قرن‌ها ورزش با مردانه بودن پیوند خورده و مترادف شده است. چرا که ورزش به عنوان نهاد اجتماعی هژمونیک به کمک رسانه برتری مردان نسبت به زنان را طبیعی جلوه می‌دهد و ورزش زنان کمتر انعکاس رسانه‌ای داشته و بیشتر مبتنی بر باورهای کلیشه‌ای بوده است. این یافته با نتایج مطالعه (وزالی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳) که گزارش کرده بود رسانه‌ها یکی از کنشگران اصلی برابری و نابرابری جنسیتی در ورزش هستند همخوان است. براین اساس لازم است رسانه‌ها این آیین و روند را رها کرده و در مقابل بازنمایی مثبتی از ورزش زنان ارائه کنند، نسبت به قبل بیشتر به ورزش زنان بپردازند و به نوعی جهت برنامه‌های خود را برای جبران گذشته به سمت ورزش و تغییر دهند. شایان ذکر است لازمه این رهاسازی این است که سهم ورزش زنان در رسانه‌ها بیشتر شود، زندگی ورزشکاران زن نخبه از سوی رسانه‌ها روایت شود و همچنین اینکه فعالیت‌های زنان ورزشکار از سوی رسانه‌ها با اهمیت جلوه داده شود.

حمایت قانونی: این مقوله اشاره به این دارد که رعایت برابری جنسیتی در ورزش ایران یک تکلیف قانونی است. چرا که در نظام حقوقی کشور ما، قانونی یکپارچه و همه شمول در خصوص ورزش و به تبع آن ورزش زنان که توسط قوه مقننه تدوین شده و دارای ضمانت اجرای مؤثری باشد، وجود ندارد. تنها در بند ۳ اصل سوم قانونی اساسی این امر ذکر شده است. این اصل و دو بند آن تنها مستند قانونی در حوزه ورزش و تأکید به رفع هرگونه نابرابری و تبعیض با توجه به بند ۹ آن است. با وجود اینکه در قانون اساسی دولت موظف به بکارگیری همه امکانات خود در امر ورزش شده است و کلمه تربیت بدنی در عرض آموزش و پرورش آمده است، که این امر نشان دهنده اهمیت زیاد ورزش در نظر قانونگذار و دارای ارزشی برابر با آموزش و پرورش است اما قانونی در راستای دستیابی به اهداف قانون اساسی، مشخص کردن وظایف و صلاحیت نهادهای ورزشی، ایجاد مکانیزم هایی برای رشد گسترش ورزش، حمایت از ورزشکاران، رفع تبعیض ها و توجه به ظرفیت ورزش زنان و غیره تدوین نشده است. به زعم شمالی و کشکر این ضعف در قانون گذاری و نبود قانونی جامع جهت پیشبرد اهداف ورزش زنان و توسعه آن خود سبب ایجاد موانع و مشکلات بیشتری شده است (شمالی و کشکر^۱، ۲۰۲۲). این یافته با نتایج مطالعه (دهقان، زارع، احمدی نسب^۲، ۲۰۲۰) مبنی بر اینکه به ضعف در قانون اشاره کرده بودند و مرتفع کردن این ضعف ها را یکی از راه های تحقیق عدالت و برابری جنسیتی قلمداد کرده بودند همخوان است. براین اساس لازم است دستورالعملی مدون و همه شمول در خصوص ورزش زنان تدوین و تنظیم شود، قانون حمایت از ورزشکاران زن تدوین، وظایف و صلاحیت نهادهای ورزشی در قانون مشخص شود و به موازات آن قانون گذرنامه در راستای تسهیل امکان خروج زنان از کشور که یکی از گزاره های پرتکرار مطرح شده از سوی مشارکت کنندگان عنوان شد، اصلاح شود. براساس ماده ۱۸ قانون گذرنامه زنان متاهل برای کسب گذرنامه نیاز به موافقت کتبی همسر خود دارند و همچنین در ماده ۱۹ همین قانون کسانی که به موجب ماده ۱۸ صدور گذرنامه موکول به اجازه آنان است از اجازه خود عدول کنند از خروج دارنده گذرنامه جلوگیری و گذرنامه تا رفع مانع ضبط خواهد شد. در حالی که زنان متاهل ورزشکار با این مشکل قانونی روبه رو هستند، مسئله سربازی و خروج از کشور بازیکنان ملی پوش مشمول سربازی، که اینها نیز مشمول همان ماده ۱۸ گذرنامه بوده (بند ۲ ماده: مشمولین وظیفه عمومی با اجازه کتبی اداره وظیفه عمومی) با رضایت ستاد مشترک نیروهای مسلح و تربیت بدنی نیروهای مسلح همواره قابل حل

1. Shomali & Keshkar

2. Dehghan, Zare & Ahmadi Nasab

بوده و در مواردی فدراسیون مربوطه با هماهنگی نیروهای انتظامی اجازه خروج از کشور برخی از ملی پوشان را صادر کرده است.

حمایت دولت: این مقوله از این جهت حائز اهمیت است که ورزش در ایران بیشتر از اینکه در اختیار بخش خصوصی باشد در اختیار دولت است. براین اساس دولت نقش تأثیرگذاری در ورزش ایفاء می‌کند و نمی‌توان نهادهای سازی برابری جنسیتی را بدون حمایت‌های دولت پیش برد. از طرفی ورزش زنان با چالش‌های زیادی همراه است و بدون مداخله نهاد حاکمیتی امکان اینکه زنان، گروه‌های مربوطه و سازمان‌های متولی بتوانند اقدامات جدی در راستای زدودن نابرابری‌های جنسیتی انجام دهند وجود ندارند. لوهاتون و همکاران نشان دادند دولت با حمایت از برابری جنسیتی در این راستا نقش تأثیرگذاری ایفاء کرده است. براین اساس لازم دولت از ورزش زنان حمایت مالی بکند، در ورزش زنان سرمایه‌گذاری میان مدت و بلندمدت انجام دهد، از پیش‌تازان تغییر فعالانه در ورزش زنان حمایت کند، برای کارکنان زن ورزشکار امنیت شغلی ایجاد کند، از قهرمان ورزش زنان به مانند قهرمان ورزشی مردان تجلیل و قدردانی کند و به زنان در سطوح نظارتی و تصمیم‌گیری در ورزش فرصت برابر بدهد (لهتونن، اوجا و هاکامکی^۱، ۲۰۲۲).

حمایت سازمان‌های ورزشی: حمایت سازمانی ادراکی است که زنان ورزشکار بر مبنای آن باور دارند ارزش‌های سازمانی در راستای بهسازی و ارضای نیازهای آن‌ها است. این یافته با نتایج مطالعات (وزالی و همکاران، ۲۰۲۳ و لهتونن و همکاران، ۲۰۲۲) که نشان دادند سازمان‌های ورزشی تحت سلطه مردان است و یکی از راه‌های تحقیق برابری جنسیتی در ورزش شکست چنین روندی است همخوان است. از آنجا که سازمان‌های ورزشی می‌توانند نگاه و رفتار افراد جامعه به ورزش زنان را تغییر دهند، می‌توان گفت یکی از عوامل حیاتی موفقیت نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران افزون بر حمایت نهادی که از سوی دولت صورت می‌گیرد حمایت سازمان‌های ورزشی است که بخش عظیمی از تحولات جنسیتی در آن اتفاق می‌افتد. بنابراین پشتیبانی سازمان‌های ورزشی و حمایت آن‌ها از برابری جنسیتی حائز اهمیت است. و در این راستا سازمان‌های مذکور لازم است قواعد اخلاقی خود را مجدداً باز تعریف کنند، ارزش‌های جنسیتی را بپذیرند، ضوابط کاری، رفتاری و اخلاقی را به صورت برابر پیاده کنند، کرامت کارکنان زن را حفظ کرده و در نهایت اختیارات لازم را به مسئولان ورزش زنان اعطاء کنند.

حمایت اجتماعی: این مقوله اشاره به این دارد که برابری جنسیتی در ورزش نمی‌تواند تنها ناشی از عوامل زیست‌محیطی، عوامل روان‌شناختی و یا سایر عوامل مشابه باشد، بلکه عوامل اجتماعی نیز در

1. Lehtonen, Oja & Hakamäki

تبیین برابری جنسیتی مؤثر است. براون و همکاران حمایت اجتماعی را تبادلات بین فردی می‌دانند که شامل عاطفه، تأیید، تصدیق، مساعدت و یاری، تشویق و اعتبار دادن به احساسات است و به‌طور کلی منتسب به تعاملات اجتماعی با پیامدهای مثبت است و برای زنان نسبت به مردان اهمیت بیشتری دارد، زیرا زنان ارتباط نزدیکی با خانواده و دوستان دارند و بیشتر تمایل به دریافت حمایت اجتماعی دارند (براون، وب، رابینسون و کاتگریو^۱، ۲۰۱۸). شایان ذکر است در گذشته دسته‌بندی‌های مختلفی از انواع و ابعاد حمایت اجتماعی ارائه شده است، در این تحقیق حمایت اجتماعی مبتنی بر حمایت خانواده‌ها از ورزش کردن فرزندان دختر، تغییر نگاه سنتی خانواده‌ها نسبت به حضور فرزندان دختر در فعالیت‌های ورزشی، حمایت دوستان در قالب همراهی و تشویق و محدود نشدن نقش‌های جنسیتی دختران از سوی جامعه تبلور پیدا کرد.

توانمندسازی و بهسازی: توانمندسازی و بهسازی فرایندی از ارتقاء و پیشرفت است که در خود گزینه‌های جدید و تازه را جای می‌دهد و در کنار امنیت و حمایت یکی دیگر از متغیرهای کلان اثرگذار بر نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران می‌باشد که خود از ترکیب چهار مقوله فرعی به‌نام‌های توانمندسازی جمعی، توانمندسازی فردی، جانشین‌پروری و مطالبه‌گری زنان تشکیل شده است.

توانمندسازی جمعی: این مقوله اشاره به این دارد که صورت نیل کنشگران و دست اندرکاران امر ورزشی به فهم مشترک، در چارچوبی نو از گفتمان کنش متقابل نمادی که بر پایه تعامل و تقویت روحیه تعاون است می‌تواند سبب برابری جنسیتی در ورزش ایران شود. دلیل اینکه توانمندسازی جمعی مؤثر بر نهادهای سازی برابری جنسیتی تشخیص داده شد این است که کنش جمعی سازمان‌یافته می‌تواند منجر به دگرگونی سیاست‌ها و عملکردها گردد، و به این ترتیب توانایی دست زدن به انتخاب‌های سرنوشت‌ساز در زندگی، که نه تنها برای آن دسته از زنانی که خود به طور مستقیم در ایجاد تغییرات دخیل بوده‌اند بلکه برای تمامی زنان، بهبود می‌یابد. اما ساختارهای هنجاری که انتخاب‌های سرنوشت‌ساز زنان در زندگی را محدود می‌کنند، ممکن است از طریق فرایندهای ناشی از کنش‌های فردی در واکنش به موقعیت‌ها و فرصت‌های جدید نیز تغییر یابند. تحقیقی که پیش‌تر اشاره به این کرده باشد توانمندسازی جمعی نهادهای سازی برابری جنسیتی در ورزش را تبیین می‌کند، یافت نگردید.

توانمندسازی فردی: توانمندسازی عبارت است از فرایند قادر ساختن مردم به افزایش تسلطشان به زندگی، به دست گرفتن کنترل مولفه‌ها و تصمیماتی که زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد، افزایش منابع و

قابلیت‌های آن‌ها و ساختن ظرفیت برای به دست آوردن دسترسی، شرکا، شبکه‌ها و صدا به منظور دستیابی به قدرت. در عرصه برابر جنسیتی در ورزش توانمندی بیشتر نمود فردی دارد تا جمعی و بر اتکا به خود، بیش از مشارکت در به چالش کشیدن ساختارهای قدرت حاکم بر زنان تأکید می‌شود چرا که توانمندی زنان به عنوان یک گروه در بحث ورزش اساساً به حاشیه رانده شده و کمتر مورد تأکید بوده است. در این تحقیق توانمندسازی فردی از تجمیع چهار مفهوم اصلی به نام‌های خودباوری فردی زنان ورزشکار، افزایش مهارت‌های بین فردی زنان ورزشکار، رشد و شکوفایی استعدادها، فردی زنان ورزشکار و رشد اعتماد به نفس زنان ورزشکار تشکیل شده است. تحقیقی که پیش‌تر اشاره به این کرده باشد توانمندسازی فردی نهاده‌سازی برابری جنسیتی در ورزش را تبیین می‌کند، یافت نگردید.

مطالبه‌گری زنان: براساس این مقوله در برابر فشار ساخت اجتماعی سرسختی که امروزه در عرصه ورزش زنان شاهد آن هستیم، زنان نشان داده‌اند که به واکنش‌های آنی و لحظه‌ای متوسل نمی‌شوند بلکه طی فرایندی از تفسیر در برابر تعیین ساخت اجتماعی، دقیقاً در بزرگه‌هایی سرنوشت ساز، در برابر فشار احکام بدنه سنتی فقه، نا آمادگی زیرساخت‌ها، تنگ نظری‌های مالی و اداری، فرهنگ پدرسالاری حاکم بر جامعه، دست به کنش‌سازی یا برسازگی کنش می‌زنند. این تفسیر دیگر یک واکنش روانی نیست بلکه خود یک کنش تازه اجتماعی و مبتنی بر فهم و تحلیل موقعیت است، و به همان شیوه‌ای رخ می‌دهد که هربرت جورج بلومر بنیانگذار مکتب کنش متقابل‌گرایی نمادی در نظریه نقش‌گیری خود با تفکیک بین ایفای نقش یا بازی نقش از نقش‌گیری یا گرفتن نقش، شرح و بسط داده است. چنین کنشی ظرفیت درهم‌تنیدگی و پیوستگی دارد و جامعه چیزی نیست مگر مجموعه‌ای از همین کنش‌های پیوسته. در این تحقیق مقوله مطالبه‌گری زنان از ترکیب سه مفهوم اصلی به نام‌های مطالبه‌گر بودن فعالان حوزه ورزش زنان نسبت به نابرابری‌ها، درخواست زنان ورزشکار برای حقوق برابر و پیگیری مستمر خواسته‌ها از سوی زنان تشکیل شده است که در آن پیگیری مستمر خواسته‌ها جزء یکی از مفاهیم پرتکرار به‌شمار می‌رود که در آن شرکت‌کنندگان بیشترین تأکید بر آن داشتند.

جانشین‌پروری: جانشین‌پروری است، جانشین‌پروری ابزاری برای حصول اطمینان از وجود افرادی است که می‌توانند شایسته تصدی مشاغل و پست‌های مختلف سازمانی و مدیریتی در آینده باشند و به وسیله آن می‌توان متصدیان جدید را با کارکنان قدیمی که سازمان را ترک می‌کند به دلایل بازنشستگی، ترک شغل و احیاناً مرگ جایگزین کرد (منالدو^۱، ۲۰۱۶). در این مطالعه منظور از جانشین‌پروری انتصاب مدیران زن توانمند و متخصص، تربیت نیروی انسانی متخصص، تعریف مسیر پیشرفت شغلی زنان در

ورزش، استفاده از زنان ورزشکار کارآزموده در سطوح اجرایی و فراهم نمودن زمینه ارتقای کارکنان زن مسئولیت‌پذیر به رده‌های شغلی بالاتر تعریف می‌شود که به نظر می‌رسد در نهادهای سازی برابری جنسیتی مؤثر است چرا که به وسیله آن نقش‌آفرینی زنان در نظام‌مند می‌شود و این نظام‌مندی خود ضامن بقای معنادار شدن برابری جنسیتی می‌شود و به موازات آن محیط ورزش از وجود زنان شایسته و توانمند بی‌بهره نمی‌ماند.

کنش اجتماعی: عملی است که کنش‌ها و واکنش‌های افراد (یا کنشگران) را در نظر می‌گیرد. به گفته ماکس وبر، کنش تا آنجا که معنای ذهنی رفتار دیگران را در نظر می‌گیرد و در نتیجه در مسیر خود جهت‌گیری می‌کند، اجتماعی است (والتون، ۲۰۲۲). در این مطالعه کنش اجتماعی ترکیبی از مقوله‌های فرعی شکست سقف شیشه‌ای، بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی و مقابله با هنجارهای جنسیتی است. **بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی:** این مقوله اشاره به این دارد که گذار جامعه ورزش کشور از نابرابری جنسیتی به برابری مستلزم تحولاتی در ساختارهای جامعه است و در این راستا لازم است هویت انسانی و اجتماعی زنان و مردان بازتعریف شود. دلیل اینکه تشخیص داده شد بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی یکی از شروط برابری جنسیتی در ورزش است، این است که پدیده مورد نظر با تأثیر متقابل، به تحولی در الگوی جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی منجر می‌شود که تا امروز استحکام‌بخش تبعیض جنسیتی در ورزش بوده است و نهادهای کردن نابرابری‌ها از یک سو و تداوم بخشیدن آن باعث شده مردگونی ارزش محسوب شود و زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده باشند. از منظر جامعه‌شناسی فمینیستی زنان به گونه‌ای جامعه‌پذیر می‌شوند که خودشان را از چشم مردها ببینند. تجربه زنان در مورد یادگیری ایفای نقش تحت تأثیر این واقعیت شکل می‌گیرد که آن‌ها برخلاف مردان باید ایفای نقش دیگری اصیل را یاد بگیرند، نه دیگری که کم و بیش مانند خودشان باشد (لیندسی^۱، ۲۰۲۰). در این راستا فمینیست‌های لیبرال برای از میان برداشتن جامعه‌پذیری جنسیتی معتقد به این هستند که فراهم‌سازی فرصت برابر در زمینه‌های مختلف مانع از این جامعه‌پذیری می‌شود (لیندسی، ۲۰۲۰). شایان ذکر است در این مطالعه بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی از طریق کاهش کلیشه‌های زن‌ستیزانه از سوی مردان نسبت به گذشته، اصلاح اندیشه‌های زن‌ستیزانه در جامعه، بازتولید قدرت و فرادستی زنان ورزشکار، احترام به عزت شرف و انسانیت زنان و تقویت ارزش‌های فرهنگی-جنسیتی در جامعه محقق می‌شود.

1. Lindsey

شکست سقف شیشه‌ای: در ادبیات مدیریت، علت عدم ارتقا و پیشرفت زنان را وجود پدیده‌ای موسوم به "سقف شیشه‌ای" می‌دانند. سقف شیشه‌ای به موانع مصنوعی و نامرئی، تصمیمات سازمانی و تعصبات مسئولان اطلاق می‌شود که مانع پیشرفت اشخاص با صلاحیت به ویژه زنان می‌شود (مهرآرا، شریف پور، دیانتی و زارع^۱، ۲۰۱۷). براساس نظریه سقف شیشه‌ای یک سری عوامل بر پیشرفت زنان در عرصه ورزش تأثیرگذار هستند، این عوامل هرچند می‌توانند مسیر افزایش توانایی‌های زنان را هموار سازند ولی در بیشتر موارد نقش بازدارنده ایفا می‌کنند و مانند سقفی نامرئی و شیشه‌ای بر بالای سرخواسته‌های آن قرار گرفته و از توانمندتر شدن آن‌ها ممانعت می‌کند. براین اساس تا زمانی که سقف شیشه‌ای شکسته نشود و به زنان و مردان به یک اندازه فرصت داده نشود، امکان اینکه برابری جنسیتی نهادینه شود وجود ندارد. به این منظور لازم است تعصبات مسئولان نسبت به ورزش زنان کاهش پیدا کند، سیاست‌های سازگار با مصالح زن و خانواده اتخاذ شود، حضور زنان متخصص ورزش در عرصه عمل بیشتر شود، حضور زنان ورزشکار در پست‌های مدیریتی ورزش افزایش پیدا کند و سرانجام اینکه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان ورزش کشور بیشتر شود.

مقابله با هنجارهای جنسیتی: یکی از مهم‌ترین بازدارنده‌های برابری جنسیتی ورزش به‌طور خاص در ایران به دلیل شرایط فرهنگی که حاکم بر آن است، هنجارهای جنسیتی است که صدمات فراوانی را متوجه برابری و عدالت جنسیتی کرده است. بر مبنای این مقوله فرعی برابری جنسیتی در ورزش ایران نهادینه نمی‌شود مگر اینکه ابتدا به ساکن سقف شیشه‌ای فرو ریخته و شکسته شود، سپس هویت انسانی و اجتماعی مجدداً بازتعریف شود و در نهایت اینکه با هنجارهای جنسیتی به شدت مقابله شود.

با اقتباس از آنچه که بیان شد مشخص گردید که نهادینه‌سازی برابر جنسیتی در ورزش ایران شامل تعاملات بین عوامل و سطوح متعدد است و لزوماً از الگوهای گذشته پیروی نمی‌کند. این بدین معناست که برای نهادینه‌سازی برابری جنسیتی در ورزش ایران بایستی این سطوح و عواملی که در هر آن‌ها مشخص شده است، مورد توجه قرار گیرد. شایان ذکر است اولین سطحی که لازم است مورد توجه قرار گیرد در بحث نهادینه‌سازی توجه به مقوله امنیت است. در ادامه لازم است به‌طور جداگانه و به ترتیب به مقوله‌های حمایت، توانمندسازی و بهسازی و در نهایت کنش اجتماعی که به نوعی واکنشی است در قبال مقوله‌های گذشته خود توجه شود.

این تحقیق دارای محدودیت‌های بود. اولاً نظریه‌ای که در این تحقیق در ارتباط با نهادینه‌سازی برابری جنسیتی خلق شد، تنها در ایران قابل استفاده است و قابلیت تعمیم به دیگر کشورها را ندارد. ثانیاً این

مطالعه در بحث شرکت کنندگان نظرات طیف های مختلفی از افراد را منعکس کرده است، از این رو نظرات منعکس شده قابل تعمیم به یک طیف خاص یا افرادی که پیشینه خاصی داشته باشند نیست. بر مبنای محدودیت های این مطالعه پیشنهاد می شود از طریق مطالعه تطبیقی تفاوت ها و شباهت های چگونگی نهاده سازی برای جنسیتی در ورزش بین فرهنگ های مختلف بررسی شود. همچنین پیشنهاد می شود در بررسی نهاده سازی برابری جنسیتی نظر شرکت کنندگان زن و مرد تفکیک شود و برای هر جنس به تفکیک الگوی جداگانه ارائه شود.

تعارض منافع:

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

Ahmadi, M., Pezhhan, A., & Ghadimi, B. (2019). Sociological analysis of social barriers to participation in sports activities of women and men (Cause Study: Employees of the Mining and Trade). *Quarterly Journal of Woman and Society*, 10(39), 47-64.

Almasi, L. , Lebadi, Z. and Alipour, V. (2015). Glass ceiling in succession planning of women in management positions. *Research on Educational Leadership and Management*, 1(3), 91-118. doi: 10.22054/jrlat.2017.631.1016.

Alsarve, D. (2022). Achieving gender equity: barriers and possibilities at board level in Swedish sport. *European Sport Management Quarterly*, 1-17.

Brown, C. J., Webb, T. L., Robinson, M. A., & Cotgreave, R. (2018). Athletes' experiences of social support during their transition out of elite sport: An interpretive phenomenological analysis. *Psychology of Sport and Exercise*, 36, 71-80.

Dehghan Benadaki, S A., Zare, Q., and Ahmadi Nasab, M. (2020). Modeling the factors influencing the creation of gender discrimination in the country's sports management from the perspective of the employees



of the General Directorate of Sports and Youth of Yazd Province. *Women and Society Scientific Research Quarterly*, 11(43), 129-148.

Dehghan, S. A., Zare, G., & Ahmadi Nasab, M. (2020). Modeling the Factors Affecting Gender Discrimination in Sports Management of the Country Viewpoint of Staff Sport and Youth Organizations of yazd Province. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 11(43), 129-148.

Enayat, H., Hassanzadeh, L., & Alborzi, S. (2019). Investigating Socio-Cultural Factors Contributing to Women's Sports Activities in Shiraz. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 10(39), 81-98.

Eriksen, I. M. (2021). Teens' dreams of becoming professional athletes: The gender gap in youths' sports ambitions. *Sport in Society*, 1-15.

Evans, K. J., & Maley, J. F. (2021). Barriers to women in senior leadership: how unconscious bias is holding back Australia's economy. *Asia Pacific Journal of Human Resources*, 59(2), 204-226.

Gholampour Galshaklami, H., Mirzaei, K., Ghadimi, B., & Alipour Darvishi, Z. (2019). Social and cultural factors affecting the desire of young people to participate in sports (with emphasis on women). *Women and Society*, 11(41), 151-176.

Hanlon, C., & Taylor, T. (2022). Workplace Experiences of Women with Disability in Sport Organizations. *Frontiers in Sports and Active Living*, 4, 1-13.

Lehtonen, K., Oja, S., & Hakamäki, M. (2022). Equality in sports and physical activity in Finland in 2021.

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. sage.

Lindsey, L. L. (2020). *Gender: Sociological Perspectives*. Routledge.

Massoud, Azerbaijani. (2009). Gender justice and women's employment. *Women's strategic studies (women's book)*. 12(46), 81-116.

McGovern, J. (2021). The intersection of class, race, gender and generation in shaping Latinas' sport experiences. *Sociological Spectrum*, 41(1), 96-114.

Menaldo, V. (2016). The institutions curse: Natural resources, politics, and development. Cambridge University Press.

Mehrara, A., Shafipour, F., Dianti, R., & Zare Zaidi, A. (2017). Glass ceiling, from challenges and solutions to empowering women. *Shabak Journal*, 10(29), 61-74.

Monazami, M., Alam, Sh., Shetab Boshehri, S. N. (2010). Determining effective factors on the development of physical education and sports among women of the Islamic Republic of Iran. *Sport management*, 10, 151-168.

Nazari Azad, M., Talebpour, A., & Kashani, M. (2018). Sociological analysis of gender inequality in sports (from the perspective of female national champion athletes). *Women and Society*, 10(4), 289-315.

Nimrozi, N., & Sahne, B. (2019). A comparative study of women's sports participation in Golestan province. *Women and Society*, 11(43), 323-338.

Palascakova, L.(2020). Persistence of Gender Stereotypes in Sports, *journal of women's entrepreneurship and education*, 20, 72-86.

Pape, M. (2020). Gender Segregation and Trajectories of Organizational Change: The Underrepresentation of Women in Sports Leadership. *Gender & Society*, 34(1), 81–105.

Patel, S. (2021). Gaps in the protection of athletes' gender rights in sport regulatory riddles. *The International Sports Law Journal*, 1-19.

Posbergh, A. (2022). Defining 'woman': A governmentality analysis of how protective policies is created in elite women's sport. *International Review for the Sociology of Sport*, 1-21.

Ramos, A., Latorre, F., Tomás, I., & Ramos, J. (2022). Women's Promotion to Management and Unfairness Perceptions—A Challenge to the Social Sustainability of the Organizations and Beyond. *Sustainability*, 14(2), 1-19.



Saitova, E., & Di Mauro, C. (2021). The role of organizational and individual-level factors for the inclusion of women managers in Japan. *International Journal of Organizational Analysis*. 1-17.

Salami, S., & Mazhari, M. (2021). Women's rights in the field of urban law in the light of international human rights documents. *Women and Culture*, 13(48), 39-54.

Shomali, S. and Keshkar, S. (2022). Designing a model of sponsorship barriers management for women's sports in Iran. *Sport Management Journal*, 14(2), 302-283. doi: 10.22059/j.

sm.2021.311881.2601

Tahmasabi, B., & Turkafar, A. (2018). Causal relationship between sociability and motivation with sports participation of female employees of Islamic Azad University, Maroodasht branch. *Women and Society*, 10(39), 65-80.

Vezzali, L., Visintin, E. P., Bisagno, E., Bröker, L., Cadamuro, A., Crapolicchio, E., ... & Harwood, J. (2023). Using sport media exposure to promote gender equality: Counter-stereotypical gender perceptions and the 2019 FIFA Women's World Cup. *Group Processes & Intergroup Relations*, 26(2), 265-283.

Walton, R. G. (2022). *Women in social work*. Taylor & Francis.